

202637

vii

Contents

Essays  
in Arabic Literary Biography  
925–1350

Edited by  
Terri DeYoung and Mary St. Germain

Terri DeYoung al-Sharīf al-Raḍī	Seif er-Razi	332
Terri DeYoung 'Talā'i' ibn Ruzzik	Talac b. Ruzzik	344
Mary St. Germain Abū Ḥayyān al-Tawḥīdī	Ebu Hayyan et Tawhidi	348
Terri DeYoung 'Ubādah Ibn Mā' al-Samā'	Ubade b. Mausema (200346)	357
Terri DeYoung Usāmah ibn Munqidh	Usame b. Munqidh	364

02 EKİM 2012

Türkiye Diyanet Vakfı İslam Araştırmaları Merkezi Kütüphane	
Dem. No:	202637
Tas. No:	892.705 ESS-A

MADDE YAYINLANDI  
SONRA GELEN DOKÜMAN

2011

Harrassowitz Verlag · Wiesbaden



# أبو علي القاسمي

وأثره في الدراسات اللغوية والأدبية بالأندلس

تأليف:

عبدالعلي الوغري

Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Ansiklopedisi	
Kayıt No. :	6182
Tasnif No. :	992.7 VAD.E

1403 هـ - 1983 م

Ulade b. Maussena

جائزة المغرب في الآداب 394-397  
لسنة 1977

تقديم من الأمانة العامة للدراسات والبحوث الإسلامية  
بمبادرة من وزارة الثقافة والإعلام  
بمشاركة من وزارة التعليم العالي والبحث العلمي

وقد وصلت كل هذه المرويات السابقة الى ابن خير الاشبيلي بواسطة تلميذ عبادة : ابي محمد غانم بن وليد .

فهو - كما نرى - وثيق الصلة بالقالي ومدرسته المحافظة على التراث ، ولما كان شاعرا ، بل رأس شعراء الدولة العامرية - كما يقول ابن شاعر الكتبي - فقد طعم شعره بهذه الدراسات ، ولحق أدبه بلقاح أصيل ، ولم يمنعه ذلك أن يكون مجددا له دور خطير في تطوير الموشحات ، إذ الابتكار في الجديد ، فرع من التعمق في القديم . فقد أضاف عبادة الى ما صنع الرمادي من قبل جديدا آخر في هذا الفن الشعري . قال ابن بسام في ترجمته : «.. وكان أبو بكر في ذلك العصر ، شيخ الصناعة ، وإمام الجماعة ، سلك الى الشعر مسلكا سهلا ، فقالت له غرائبه مرحبا وأهلا ، وكانت صنعة التوشيح التي نهج أهل الأندلس طريقها ، ووضعوا حقيقتها غير مرقومة البرود ، ولا منظومة العقود . فاقام عبادة هذا منادها ، وقوم سبيلها وسنادها ، فكانها لم تسمع بالأندلس الا منه ، ولا أخذت الا عنه ، واشتهر بها اشتهارا غلب على ذاته ، وذهب بكثير من حسناته» .

ثم يقول متحدئا عن صنيع عبادة في تطوير الموشحات : «.. ثم نشأ عبادة هذا ، فأحدث التغيير . وذلك أنه اعتمد مواضع الوقف في الأغصان ، فيضمنها كما اعتمد الرمادي مواضع الوقف في المركز ..» (277) . ونفهم من كلام ابن بسام هذا أن الموشح قد اكتمل على يد عبادة ، ووصل مرحلة النضج في هذا الطور ، بعد أن مر بمرحلتين سابقتين هما : مرحلة القبري وابن عبد ربه ، ومرحلة الرمادي تلميذ القالي (278) .

وتأد بقيت لنا من موشحاته واحدة يظن أنها أقدم نص وصل إلينا من هذا الفن الشعري الذي نشأ بالأندلس ، وهي التي يقول فيها :

حب المهاعباده من كل بسام الجوارى  
قمر يطلع من حسن آفاق الكمال حسنه الإبداع (279)

(277) الذخيرة ق 1 م 2 (ص 1 و 2) .  
(278) انظر فن التوشيح لشوقي ضيف (ص 124) - وتاريخ الأدب الأندلسي - عصر الطوائف والمرابطين لاحسان عباس (ص 230) .  
(279) فوات الوفيات . وأما الموشحة الأخرى التي مطلعها :  
من ولي في أمة أمرا ولم يعدل  
يعزل لإلحاظ الرشا الأكليل  
فمشكوك في نسبتها إليه ، لأنها تعزى لأبي عبد الله عبادة بن القزاز .

2 - أبو بكر عبادة بن ماء السماء (262)  
( — 419 أو 21 أو 422 هـ )

يعتبر الشاعر عبادة بن ماء السماء التلميذ المخلص للزبيدي . فعنه وحده روى الأصول اللغوية والأدبية التي أخذها عن القالي ، وقنع بما عنده فلم يعرج على غيره من شيوخ هذا العلم .

فقد روى عنه أولا تواليه كلها (263) بما في ذلك كتاب الواضح في النحو (264) ، وأبنية كتاب سيبويه (265) ، ولحن العامة (266) ، ومختصر العين (267) ، والمستدرک من الزيادة في البارع (268) ، ورسالة التقريظ (269) وغيرها .

وروى عن القالي بواسطة الزبيدي كذلك جميع تواليفه ، ورواياته عن شيوخه (270) ، بما في ذلك الكتاب البارع في اللغة (271) ، وكتاب حلى الانسان والخيل وشياتها ، وكتاب مقاتل الفرسان ، وكتاب تفسير القصائد والمعلقات ، وكتاب الإبل ونتاجها (272) ، ثم قصيدته في مدح الناصر (273) .

وروى عن الزبيدي عن القالي أيضا : كتاب الأضداد لثعلب (274) ، والمفضليات (275) ، ومقصورة ابن دريد (276) وغير ذلك .

(262) أبو بكر عبادة بن عبد الله بن محمد بن عبادة الخزرجي الأنصاري المالقي . مصادر ترجمته : الجنوة (ص 274) - بغية الملتس (ص 396) (دار الكاتب) - الصلة (426/2) (الحسيني) - الذخيرة م 2 ق 1 (ص 1) - فوات الوفيات (425/1) - راية المبرزين (ص 48) - كتاب التشبيهات في مواضع مختلفة - البديع في وصف الربيع ، في مواضع مختلفة - ترشيح التوشيح (ص 113) - فن التوشيح (ص 124-173) - تاريخ الأدب الأندلسي . احسان عباس (عصر سيادة قرطبة) (ص 229) .

- (263) ابن خير (ص 443) .
- (264) ابن خير (ص 311) .
- (265) نفسه (ص 346) .
- (266) نفسه (ص 347) .
- (267) نفسه (ص 350) .
- (268) نفسه (ص 350) .
- (269) نفسه (ص 351) .
- (270) نفسه (ص 343) .
- (271) نفسه (ص 354) .
- (272) ابن خير (ص 355) (الكتب الأربعة) .
- (273) ابن خير (ص 422) .
- (274) نفس المصدر (ص 381) .
- (275) نفسه (ص 390) .
- (276) نفسه (ص 400) .

U-bade b. Maissema 346

Mat-mauit. Einfus ve masrahit

Penius, 344 - 345 -

D. Bas: 2190

آیین تشیع داشت، پس از سقوط قرطبه به دست حمودیان که از نوادگان علی بن ابی طالب (ع) بودند، به آنان پیوست و پایگاهی والا یافت. مدیاحی که وی به ۳ تن از آنان، علی و یحیی و قاسم، تقدیم کرده، در منابع آمده است (حمیدی، ۲۷۵؛ ابن خاقان، ۸۴؛ ابن بسام، ۱۰/ (۲)؛ پرس، ۹۶).

عباده در سروده‌ای، ابن حزم (احمد بن سعید) وزیر را نیز مدح گفته و از وی خواسته است تا او را نزد خود بپذیرد (حمیدی، همانجا؛ ضبی، ۳۸۴). شاگردانی نیز تربیت کرد که ابو محمد غانم بن ولید مالقی، از شمار آنان است (ابن بشکوال، همانجا). تقریباً همه منابع تصریح کرده‌اند که وی در مالقه در گذشته است، اما تاریخ وفاتش را به اختلاف سالهای ۴۱۹ ق، ۴۲۱ ق و ۴۲۲ ق نوشته‌اند (نک: حمیدی، همانجا؛ ابن بسام، ۳/ (۲)؛ ابن بشکوال، همانجا؛ ابن شاکر، فوات، ۱۴۹/۲، عیون، ۱۱۱/۱۰؛ لوی پروانسال، ۲۹۰، به نقل از ابن عسکر). بر پایه گزارش ابن حزم و نیز تأیید حمیدی (ص ۲۷۴)، وی دست کم تا ۴۲۱ ق زنده بوده است. گفته‌اند که او در غم از دست دادن ۱۰۰ دینار از دارایش در گذشته است (حمیدی، ابن بسام، همانجاها).

شعر او: اگرچه عباده اشعاری به شیوه کهن سروده است، اما عمده شهرت او در موشح سرایی است. این قالب جدید شعر که به دست مقدم بن معافی قبری و یا محمد حمود قبری پدید آمده و در زمان یوسف بن هارون رمادی شکل منسجم‌تری به خود گرفته بود، به دست ابن ماء السماء شکلی نهایی یافت و از آن پس چنان اعتبار و رسمیتی کسب کرد که دیگر شاعران و نویسندگان سنت‌گرا هم از آن روی نگرداندند و ابن ماء السماء را به عنوان استاد مسلم این فن پذیرفتند (ابن بسام، ۱۱/ (۲)؛ ابن خلدون، ۵۸۳-۵۸۴؛ رکابی، فی الأدب الاندلسی، ۲۸۷-۲۹۰؛ گنثال، ۱۵۳-۱۵۶). ابن خلدون که عباده بن قزاز را نخستین موشح‌سرا پس از مقدم بن معافی و ابن عبدربه می‌انگارد (ص ۵۸۴)، ظاهراً دچار اشتباه شده است (قس: رکابی، همان، ۲۸۹). از موشحات بسیاری که وی سروده، تنها ۳ موشح به دست ما رسیده است (نک: ابن شاکر، عیون، ۱۱۳/۱۰-۱۱۴؛ صفدی، ج قاضی، ۶۲۵/۱۶-۶۲۸). اما همین ۳ موشح قدیم‌ترین موشحاتی است که در منابع آمده است، زیرا از آثار موشح‌سرایان پیش از او اثری در دست نیست. در این سروده‌ها که جز تعابیر و معانی تقلیدی غزل شامل چیز تازه‌ای نیست، صنایع لفظی بسیار به چشم می‌خورد، اما از معانی عمیق و ترکیبات قوی بی‌بهره است. گویی شاعر، بیشتر در قید آهنگ الفاظ، و قوام بخشیدن به ساختمان موشح بوده است تا در پی ابداع معانی تازه. اشعار کلاسیک او برخلاف موشحاتش گاه از معانی بدیع و ترکیبات متین برخوردار است. طبیعت و جلوه‌های آن در بیشتر سروده‌های او جایگاهی خاص دارد. وی با استمداد از تشبیهات زیبا، باغها و گلها، ابر و باران، آذرخش و تندر و جز آن را وصف کرده است. مثلاً در یکی از این قطعه‌ها ابر بهاری را به عاشقی تشبیه کرده

نوشته‌هایی داشته (ابن خطیب، اوصاف الناس، ۴۸) که اثری از آنها بر جای نمانده است.

مآخذ: ابن خطیب، محمد بن عبدالله، الاحاطة، به کوشش محمد عبدالله عنان، قاهره، ۱۳۷۵ ق / ۱۹۵۵م؛ همو، اوصاف الناس فی التواریخ والصلوات، به کوشش محمد کمال نیبانه، مراکش، ۱۳۱۷ ق / ۱۹۷۷م؛ همو، الکتیبة الکاتبه، به کوشش احسان عباس، بیروت، ۱۳۸۳ ق / ۱۹۶۳م؛ ابن قاضی مکناسی، احمد بن محمد، درة الحجال فی اسماء الرجال، به کوشش محمد احمدی ابوالنور، قاهره، ۱۳۹۱ ق / ۱۹۷۱م؛ بابا تبتکی، احمد بن احمد، «تیل الانتهاج»، در حاشیه‌الدیاج المذهب ابن فرحون، قاهره، ۱۳۵۱ ق / ۱۹۳۲م؛ زرکلی، اعلام؛ سید، خطی: علوش، ی، فهرس المخطوطات العربیة، رباط، ۱۳۷۴ ق / ۱۹۵۴م؛ فاسی، محمد عابد، فهرس مخطوطات خزانه القرویین، مراکش، ۱۴۰۳ ق / ۱۹۸۳م؛ فهرس الخزانه العلمیة الصبیحیة بسلا، به کوشش محمد حجی، کویت، ۱۴۰۶ ق / ۱۹۸۵م؛ کنانی، عبدالحی، فهرس الفهارس، مراکش، ۱۳۴۶ ق / مفری، احمد بن محمد، نفع الطیب، به کوشش محمد بقاعی، بیروت، ۱۴۰۶ ق / ۱۹۸۶م؛ منصور، عبدالحفیظ، فهرس مخطوطات المکتبة الاحمدیة بتونس، بیروت، ۱۳۸۸ ق / ۱۹۶۹م؛ واتسون، اندرین، الابداع الزراعی، ترجمه احمد اشرف، به کوشش محمد نذیر سنکری، حلب، ۱۹۸۵م؛ نیز:

GAL, S; Wagner, Ewald, Verzeichnis der orientalischen Handschriften in Deutschland, Wiesbaden, 1976.

شهناز رازپوش

ابن ماء السماء، نک: منذر بن ماء السماء.

ابن ماء السماء، ابوبکر عباده بن عبدالله انصاری خزرجی (زنده در ۴۲۱ ق / ۱۰۳۰م)، ادیب و شاعر عصر ملوک الطوائف اندلس. وی از نوادگان سعد بن عباده، صحابی معروف بوده (ابن بسام، ۱۱/ (۲) و نسبت انصاری و خزرجی وی از همین جاست. ماء السماء لقب نیای بزرگ وی بوده است (همانجا). برخی او را از مردم قرطبه (ابن بشکوال، ۴۲۶/۲) و برخی دیگر از مالقه دانسته‌اند (مقری، ازار، ۲۵۴/۲؛ لوی پروانسال، ۲۹۱، به نقل از ابن عسکر)، اما نظر اخیر درست‌تر می‌نماید، زیرا سخن ابن بسام (همانجا) و ابن سعید (رایات، ۷۸) درباره او چنان است که گویی قرطبی بودن او را نمی‌پذیرند. تشابه اندکی که بین نام او و عباده بن قزاز وجود دارد، باعث شده که برخی این دو را با هم خلط کنند و اشعار یکی را به دیگری نسبت دهند (نک: صفدی، ج ددرینگ، ۱۸۹/۳-۱۹۰؛ قس: ابن شاکر، فوات، ۱۵۱/۲-۱۵۲؛ مصطفی، ۱۴۵-۱۴۶؛ EI<sup>2</sup>). گویا وی بخش عمده‌ای از زندگی خود را در مالقه گذراند (لوی پروانسال، ۲۹۰) و نزد علمای عصر خود به تحصیل نحو و لغت پرداخت و دو کتاب الواضح فی النحو و مختصر العین را نزد مؤلف آنها ابوبکر محمد بن حسن زبیدی فرا گرفت (ابن بشکوال، همانجا؛ ابن خیر، ۳۱۱-۳۵۰؛ نیکل، ۱۰۵). سپس چون در شعر چیره‌دست شد، به مدح حکام روزگار خود پرداخت و از این راه شهرتی فراهم آورد. در زمان فرمانروایی عامریان آوازه‌اش بالا گرفت و سرآمد شاعران هم روزگار خود گردید (نک: ضبی، ۳۸۳؛ صفدی، ج قاضی، ۶۲۴/۱۶؛ رکابی، تعلیقات دارالطراز، ۲۰۴). عباده چندی در دربار منصور بن ابی عامر به مدیحه‌سرایی پرداخت (لوی پروانسال، ۲۹۳-۲۹۲)، اما ظاهراً به سبب گرایش که به

Edited by Julie Scott Meisami and Paul Starkey

ENCYCLOPEDIA OF ARABIC LITERATURE

Volume 1 London © 1998 Routledge ISBN-DN: 69273

Ibn Mālik

deposed (484/1091), Ibn al-Labbāna described his departure for Morocco in a famous poem. He visited al-Mu'tamid in prison and continued to write panegyrics to him. After al-Mu'tamid's death, Ibn al-Labbāna sought patrons in Bougie and Majorca. His *diwān* and his prose works about the 'Abbāids are lost, but his poetry, with its pathetic strain, is widely quoted, as are several of his *muwashshahāt*, one with a Romance *kharja*. Because of his loyalty to al-Mu'tamid he has been called 'the Samaw'al of the poets'.

Further reading

Monroe, James T., *Hispano-Arabic Poetry: A Student Anthology*, Berkeley (1974), 214–17.

Nykl, A.R., *Hispano-Arabic Poetry and its Relations with the Old Provençal Troubadours*, Baltimore (1946), 163–5.

R.P. SCHEINDLIN

### Ibn Lankak (d. c.360/970)

Abū al-Ḥasan Muḥammad ibn Muḥammad ibn Lankak was a poet and littérateur from Basra. He moved to Baghdad, where he associated with the vizier al-Muhallabī. According to al-Tha'ālibī, his *qaṣīdas* were rarely successful; his strength lay in epigrams of no more than two or three lines containing 'complaints on the times' and invective on his contemporaries, among them more successful poets such as al-Mutanabbī and Abū al-Riyāsh al-Yamāmī. His *diwān*, once appreciated by al-Ṣāhib Ibn 'Abbād, is lost; some fifty epigrams are quoted in al-Tha'ālibī's *Yatīmat al-dahr*.

Text edition

*Shi'r*, Zuhayr Ghāzi Zāhid (ed.), Basra (1973).

G.J.H. VAN GELDER

### Ibn Mā' al-Samā', Ubāda (d. 419 or 421/1028 or 1030)

Eleventh-century Andalusian poet, composer of *muwashshahāt*. He had been believed to be the earliest *washshāḥ* to have an extant *muwashshah*; however, with the full publication of the 'Uddat al-jalīs of 'Alī ibn Bishrī (ed. A. Jones, Cambridge, 1992), that honour goes to the tenth-century poet Abū al-Qāsim ibn al-Aṭṭār. Ibn Mā' al-Samā''s innovation

was to extend the use of internal rhymes (*tadmīn*; see *prosody*) to the *aghṣān* of the *muwashshah*. Two of his poems are extant: *Man walī* and *Hubbu al-mahā* (in *Tawshī' al-tawshīh*, fol. 44 verso). He was also the author of *Ṭabaqāt shu'arā' al-Andalus* of which only some quoted fragments survive.

L. ALVAREZ

### Ibn Mālik (600 or 1–672/1203 or 5–1274)

Abū 'Abd Allāh Jamāl al-Dīn Muḥammad, known as Ibn Mālik, was an Andalusian who moved East to study in Aleppo under al-Sakhāwī and Ibn Ya'īsh and finally settled in Damascus, where he taught grammar, lexicography, Koran recitation, *hadīth* and jurisprudence until he died. His dealings, if any, with his great contemporary Ibn al-Ḥājjib in Damascus must have been cool at best, if indeed they ever met. Several influential grammatical works by him are extant, among them a text with a long commentary in the scholastic mode entitled *al-'Umda* and a very condensed and hence somewhat obscure survey of syntax called *Tashīl al-fawā'id*. But Ibn Mālik is best known for his fondness for versification which led him to produce a number of textbooks in poetic form, the most famous being a poem of about one thousand lines, titled accordingly *al-Khulāṣa al-alfiyya* or simply *al-Alfiyya*. This grammar is second only to the *Ājurrūmiyya* (see Ibn Ājurrūm) in popularity and the great number of commentaries it inspired, including one by his own son Badr al-Dīn.

Text editions

*La Alfiyyah de Ibn Mālik, suivi du Lāmiyyah du même auteur*, A. Goguyer (ed. and trans.), Beirut (1888).

*al-Khulāṣa al-Alfiyya*, many editions, e.g. S. de Sacy, Paris (1833).

*Lāmiyyat al-af'āl*, W. Volck (ed.), St Petersburg (1864).

*Tashīl al-fawā'id*, M.K. al-Barakāt (ed.), Cairo (1967).

'*Umdat al-ḥāfiḥ wa-'uddat al-lāfiḥ*, A.R. al-Dūrī (ed.), Baghdad (1977).

Further reading

Dieterici, F., *Ibn 'Aqīl's Commentar zur Alfijja des Ibn Mālik, aus dem Arabischen zum ersten Male übersetzt*, Berlin (1852).

21 CC BY-NC-ND